

عیسی شبان نیکو است

¹آمین، آمین، به شما می‌گویم: هر که از در به آغل گوسفند داخل نشود، بلکه از راه دیگر بالا رود، او دزد و راهزن است.² و اما آنکه از در داخل شود، شبان گوسفندان است.³ دربان بجهت او می‌گشاید و گوسفندان آواز او را می‌شنوند و گوسفندان خود را نام بنام می‌خواند و ایشان را بیرون می‌برد.⁴ و وقتی که گوسفندان خود را بیرون برد، پیش روی ایشان می‌خرامد و گوسفندان از عقب او می‌روند، زیرا که آواز او را می‌شناسند.⁵ لیکن غریب را متابعت نمی‌کنند، بلکه از او می‌گریزند زیرا که آواز غریبان را نمی‌شناسند.⁶ و این مثل را عیسی برای ایشان آورد، اما ایشان نفهمیدند که چه چیز بدیشان می‌گوید.

⁷آنگاه عیسی بدیشان باز گفت: آمین، آمین، به شما می‌گویم که من در گوسفندان هستم.⁸ جمیع کسانی که پیش از من آمدند، دزد و راهزن هستند، لیکن گوسفندان سخن ایشان را نشنیدند.⁹ من در هستم! هر که از من داخل گردد، نجات یابد و بیرون و درون خرامد و علوفه یابد.¹⁰ دزد نمی‌آید مگر آنکه بدزد و بکشد و هلاک کند. من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیاده‌تر حاصل کنند.¹¹ من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می‌نهد.¹² اما مزدوری که شبان نیست و گوسفندان از آن او نمی‌باشند، چون ببند که گرگ می‌آید، گوسفندان را گذاشته، فرار می‌کند و گرگ گوسفندان را می‌گیرد و پراکنده می‌سازد.¹³ مزدور می‌گریزد چونکه مزدور است و به فکر گوسفندان نیست.¹⁴ من شبان نیکو هستم و خاصان خود را می‌شناسم و خاصان من مرا می‌شناسند،¹⁵ چنانکه پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم و جان خود را در راه گوسفندان می‌نهم.¹⁶ و مرا گوسفندان دیگر هست که از این آغل نیستند، باید آنها را نیز بیاورم و آواز مرا خواهند شنید و یک گله و یک شبان خواهند شد.¹⁷ و از این سبب پدر مرا دوست می‌دارد که من جان خود را می‌نهم تا آن را باز گیرم.¹⁸ کسی آن را از من نمی‌گیرد، بلکه من خود آن را می‌نهم. قدرت دارم که آن را بنهم و قدرت دارم آن را باز گیرم. این حکم را از پدر خود یافتم.¹⁹ باز به سبب این کلام، در میان یهودیان اختلاف

یسوع هو الراعي الصالح

¹الْحَقُّ، الْحَقُّ، أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ الَّذِي لَا يَدْخُلُ مِنَ الْبَابِ إِلَى حَظِيرَةِ الْخَرَّافِ بَلْ يَطْلُعُ مِنْ مَوْضِعٍ آخَرَ قَدْ آكَ سَارِقٌ وَلِصٌّ.² وَأَمَّا الَّذِي يَدْخُلُ مِنَ الْبَابِ فَهُوَ رَاعِي الْخَرَّافِ.³ لِهَذَا يَفْتَحُ التَّوَابُ وَالْخَرَّافُ تَسْمَعُ صَوْتَهُ فَيَدْخُلُ خَرَّافَهُ الْخَاصَّةَ بِأَسْمَاءٍ وَيُخْرِجُهَا.⁴ وَمَتَى أَخْرَجَ خَرَّافَهُ الْخَاصَّةَ يَذْهَبُ أَمَامَهَا وَالْخَرَّافُ تَتَّبِعُهُ لِأَنَّهَا تَعْرِفُ صَوْتَهُ.⁵ وَأَمَّا الْغَرِيبُ فَلَا تَتَّبِعُهُ بَلْ تَهْرُبُ مِنْهُ لِأَنَّهَا لَا تَعْرِفُ صَوْتَ الْغَرَّاءِ.⁶ هَذَا الْمَثَلُ قَالَهُ لَهُمْ يَسُوعُ، وَأَمَّا هُمْ فَلَمْ يَفْهَمُوا مَا هُوَ الَّذِي كَانَ يُكَلِّمُهُمْ بِهِ.

⁷فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ أَيْضاً: الْحَقُّ، الْحَقُّ، أَقُولُ لَكُمْ: إِنِّي أَنَا بَابُ الْخَرَّافِ.⁸ جَمِيعُ الَّذِينَ أَتَوْا قِبَلِي هُمْ سَرَّاقٌ وَلِصُّوْنٌ، وَلَكِنَّ الْخَرَّافَ لَمْ تَسْمَعْ لَهُمْ.⁹ أَنَا هُوَ الْبَابُ. إِنْ دَخَلَ بِي أَحَدٌ فَيَخْلُصُ وَيَدْخُلُ وَيَخْرُجُ وَيَجِدُ مَرْعًى.¹⁰ أَلَسَّارِقٌ لَا يَأْتِي إِلَّا لِيَسْرِقَ وَيَذْبَحَ وَيُهْلِكَ، وَأَمَّا أَنَا فَقَدْ أَتَيْتُ لِيَكُونَ لَهُمْ حَيَاةٌ وَلِيَكُونَ لَهُمْ أَفْضَلُ.¹¹ أَنَا هُوَ الرَّاعِي الصَّالِحُ، وَالرَّاعِي الصَّالِحُ يَبْذُلُ نَفْسَهُ عَنِ الْخَرَّافِ.¹² وَأَمَّا الَّذِي هُوَ أَجِيرٌ وَلَيْسَ رَاعِياً، الَّذِي لَيْسَتْ الْخَرَّافُ لَهُ، فَيَرَى الذَّنْبَ مُقْبِلاً وَيَبْزُلُ الْخَرَّافَ وَيَهْرُبُ، فَيَخْطِفُ الذَّنْبُ الْخَرَّافَ وَيُبَدِّدُهَا.¹³ وَالْأَجِيرُ يَهْرُبُ لِأَنَّهُ أَجِيرٌ وَلَا يُبَالِي بِالْخَرَّافِ.¹⁴ أَمَّا أَنَا فَاقْبَلِي الرَّاعِي الصَّالِحَ وَأَعْرِفْ خَاصَّتِي وَخَاصَّتِي تَعْرِفُنِي.¹⁵ كَمَا أَنَّ الْآبَ يَعْرِفُنِي وَأَنَا أَعْرِفُ الْآبَ، وَأَنَا أَصْعُ نَفْسِي عَنِ الْخَرَّافِ.¹⁶ وَلِي خَرَّافٌ آخَرٌ لَيْسَتْ مِنْ هَذِهِ الْحَظِيرَةِ، يَتَّبِعُنِي أَنْ أَتِي بِتِلْكَ أَيْضاً فَتَسْمَعُ صَوْتِي وَتَكُونَ رَعِيَّةً وَاحِدَةً وَرَاعٍ وَاحِدٌ.¹⁷ لِهَذَا يُحِبُّنِي الْآبُ لِأَنِّي أَصْعُ نَفْسِي لِأَخْذِهَا أَيْضاً. لَيْسَ أَحَدٌ يَأْخُذُهَا مِنِّي بَلْ أَصْعَهَا أَنَا مِنْ دَانِي، لِي سُلْطَانٌ أَنْ أَصْعَهَا وَلِي سُلْطَانٌ أَنْ أَخْذَهَا أَيْضاً. هَذِهِ الْوَصِيَّةُ قَبِلْتُهَا مِنْ أَبِي.

¹⁹فَحَدَّثَ أَيْضاً انْشِقَاقُ بَيْنَ الْيَهُودِ بِسَبَبِ هَذَا الْكَلَامِ.²⁰ فَقَالَ كَثِيرُونَ مِنْهُمْ: بِهِ سُلْطَانٌ وَهُوَ يَهْدِي، لِمَاذَا تَسْمِعُونَ لَهُ؟²¹ آخَرُونَ قَالُوا: لَيْسَ هَذَا كَلَامٌ مَنْ بِهِ سُلْطَانٌ، أَلَعَلَّ شَيْطَاناً يَهْدِي أَنْ يَفْتَحَ أَعْيُنَ الْعُمْيَانِ؟²² وَكَانَ عِيْدُ التَّجْدِيدِ فِي أُورُشَلِيمَ وَكَانَ شِتَاءً.²³ وَكَانَ يَسُوعُ يَتَمَشَّى فِي الْهَيْكَلِ فِي رَوَاقِ سَلِيمَانَ.²⁴ فَاحْتَاطَ بِهِ الْيَهُودُ وَقَالُوا لَهُ: إِلَى مَتَى تَعْلُقُ أَنْفُسَنَا؟ إِنْ كُنْتَ أَنْتَ الْمَسِيحُ فَقُلْ لَنَا جَهْرًا؟²⁵ أَجَابَهُمْ يَسُوعُ: إِنِّي قُلْتُ لَكُمْ وَلَسْتُمْ تُؤْمِنُونَ. الْأَعْمَالُ الَّتِي أَنَا أَعْمَلُهَا بِاسْمِ أَبِي

هِيَ تَشْهَدُ لِي. ²⁶ وَلَكِنَّكُمْ لَسْتُمْ تُؤْمِنُونَ لِأَنَّكُمْ لَسْتُمْ مِنْ خِرَافِي كَمَا قُلْتُمْ لَكُمْ. ²⁷ خِرَافِي تَسْمَعُ صَوْتِي وَأَنَا أَعْرِفُهَا فَتَسْبُغُنِي. ²⁸ وَأَنَا أُعْطِيهَا حَيَاةً أَبَدِيَّةً وَلَنْ تَهْلِكَ إِلَى الْأَبَدِ وَلَا يَخْطُفُهَا أَحَدٌ مِنْ يَدِي. ²⁹ أَبِي الَّذِي أُعْطَانِي إِيَّاهَا هُوَ أُعْطِمْ مِنَ الْكُلِّ وَلَا يَقْدِرُ أَحَدٌ أَنْ يَخْطَفَ مِنْ يَدِي أَبِي. ³⁰ أَنَا وَالْأَبُ وَاحِدٌ.

الشعب يقاوم يسوع

³¹ فَتَنَاقَلَ الْيَهُودُ أَيْضاً حِجَارَةً لِيَرْجُمُوهُ. ³² أَجَابَهُمْ يَسُوعُ: أَعْمَالاً كَثِيرَةً حَسَنَةً أَرَبْتُكُمْ مِنْ عِنْدِ أَبِي، يَسَبِّبُ أَيُّ عَمَلٍ مِنْهَا تَرْجُمُونَنِي؟ ³³ أَجَابَهُ الْيَهُودُ قَائِلِينَ: لَسْنَا تَرْجُمُكَ لِأَجْلِ عَمَلٍ حَسَنٍ بَلْ لِأَجْلِ تَجْدِيفٍ، فَإِنَّكَ وَأَنْتَ إِنْسَانٌ تَجْعَلُ نَفْسَكَ إِلَهًا. ³⁴ أَجَابَهُمْ يَسُوعُ: أَلَيْسَ مَكْتُوباً فِي تَامُوسِكُمْ: "أَنَا قُلْتُ إِنَّكُمْ إِلَهَةٌ"؟ ³⁵ إِنْ قَالَ إِلَهٌ لِأُولَئِكَ الَّذِينَ صَارَتْ إِلَيْهِمْ كَلِمَةُ اللَّهِ، وَلَا يُمْكِنُ أَنْ يُنْقَضَ الْمَكْتُوبُ، ³⁶ فَالَّذِي قَدَّسَهُ الْآبُ وَأَرْسَلَهُ إِلَى الْعَالَمِ، أَتَقُولُونَ لَهُ: إِنَّكَ تُجَدِّفُ، لِأَنِّي قُلْتُ: إِنِّي ابْنُ اللَّهِ؟ ³⁷ إِنْ كُنْتُ لَسْتُ أَعْمَلُ أَعْمَالَ أَبِي فَلَا تُؤْمِنُوا بِي. ³⁸ وَلَكِنْ إِنْ كُنْتُ أَعْمَلُ فَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا بِي قَامِنُوا بِالْأَعْمَالِ لِكَيْ تَعْرِفُوا وَتُؤْمِنُوا أَنَّ الْآبَ فِيَّ وَأَنَا فِيهِ. ³⁹ فَطَلَبُوا أَيْضاً أَنْ يُمَسِّكُوهُ فَخَرَجَ مِنْ أَيْدِيهِمْ. ⁴⁰ وَمَضَى أَيْضاً إِلَى عَبْرِ الْأَرْدُنِّ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي كَانَ يُوحَنَّا بَعَمْدُ فِيهِ أَوَّلًا وَمَكَتْ هُنَاكَ. ⁴¹ فَأَتَى إِلَيْهِ كَثِيرُونَ وَقَالُوا: إِنْ يُوحَنَّا لَمْ يَفْعَلْ آيَةً وَاجِدَةً، وَلَكِنْ كُلُّ مَا قَالَهُ يُوحَنَّا عَنْ هَذَا كَانَ حَقًّا. ⁴² فَأَمَنَ كَثِيرُونَ بِهِ هُنَاكَ.

افتاد. ²⁰ بسیاری از ایشان گفتند که: دیو دارد و دیوانه است. برای چه بدو گوش می‌دهید؟ ²¹ دیگران گفتند که: این سخنان دیوانه نیست. آیا دیو می‌تواند چشم کوران را باز کند؟

²² پس در اورشلیم، عید تجدید شد و زمستان بود. ²³ و عیسی در معبد، در رواق سلیمان می‌خرامید. ²⁴ پس یهودیان دور او را گرفته، بدو گفتند: تا کی ما را متردد داری؟ اگر تو مسیح هستی، آشکارا به ما بگو. عیسی بدیشان جواب داد: من به شما گفتم و ایمان نیاوردید. اعمالی که به اسم پدر خود بجا می‌آورم، آنها برای من شهادت می‌دهد. ²⁶ لیکن شما ایمان نمی‌آورید زیرا از گوسفندان من نیستید، چنانکه به شما گفتم. ²⁷ گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند. ²⁸ و من به آنها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ‌کس آنها را از دست من نخواهد گرفت. ²⁹ پدری که به من داد از همه بزرگتر است و کسی نمی‌تواند از دست پدر من بگیرد. ³⁰ من و پدر یک هستیم.

³¹ آنگاه یهودیان باز سنگها برداشتند تا او را سنگسار کنند. ³² عیسی بدیشان جواب داد: از جانب پدر خود بسیار کارهای نیک به شما نمودم. به سبب کدام یک از آنها مرا سنگسار می‌کنید؟ ³³ یهودیان در جواب گفتند: به سبب عمل نیک، تو را سنگسار نمی‌کنیم، بلکه به سبب کفر، زیرا تو انسان هستی و خود را خدا می‌خوانی. ³⁴ عیسی در جواب ایشان گفت: آیا در تورات شما نوشته نشده است که: من گفتم شما خدایان هستید؟ ³⁵ پس اگر آنانی را که کلام خدا بدیشان نازل شد، خدایان خواند و ممکن نیست که کتاب محو گردد، ³⁶ آیا کسی را که پدر تقدیس کرده، به جهان فرستاد، بدو می‌گویند کفر می‌گویی، از آن سبب که گفتم: پسر خدا هستم؟ ³⁷ اگر اعمال پدر خود را بجا نمی‌آورم، به من ایمان می‌آورید. ³⁸ و لکن چنانچه بجا می‌آورم، هرگاه به من ایمان نمی‌آورید، به اعمال ایمان آورید تا بدانید و یقین کنید که پدر در من است و من در او.

³⁹ پس دیگر باره خواستند او را بگیرند، اما از دستهای ایشان بیرون رفت. ⁴⁰ و باز به آن طرف اردن، جایی که اوّل یحیی تعمید می‌داد، رفت و در آنجا توقف نمود. ⁴¹

John 10

بسیاری نزد او آمده، گفتند که: یحیی هیچ معجزه ننمود
و لکن هر چه یحیی دربارهٔ این شخص گفت، راست
است.⁴² پس بسیاری در آنجا به او ایمان آوردند.